

## نقش آموزش و فهم آیات بر انس با قرآن\*

سمیه کوبکی طاهر\*\* و کریم پارچه باف دولتی\*\*\*

### چکیده

درک و فهم قرآن کریم از وظایف مسلمانان است، زیرا قرآن برای هدایت و زبان آن ساده و مردم فهم قرار داده شده است. قرآن کریم تعلیم خود را مناسب با ساده ترین افهام قرار داده است و لذا هر کس به اندازه خود از آن بهره می برد؛ هر چند که فهم کامل و مجموعی آن، ویژه معصومان علیهم السلام است. در نوشتار حاضر به این مطلب پرداخته شده که معنای تعلیم در آیات و روایات چیست و فهم قرآن چگونه می تواند به انس با کلام الهی منجر شود. این مطالعه نشان می دهد که آموزش و فهم قرآن باید توأم با هم باشد و روش های صحیح آموزشی نیز همین امر را نشان می دهد. انس با قرآن نیز در میان آن ها نهفته است و آن را از شیوه ترتیل و قرائت همیشگی و مستمر باید جستجو کرد. اگر آموزش قرآن به شیوه صحیح صورت گیرد، مراجعه مکرر به آیات الهی را به دنبال دارد که موجب فهم آیات الهی می گردد و در نتیجه انس با کلام الهی را به دنبال خواهد داشت. این نوشتار به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته و اطلاعات به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده است.

واژگان کلیدی: آموزش، تدبر، فهم، انس، سیره معصومان علیهم السلام، ترتیل قرآن.

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۸/۲۵.  
\*\* کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول): s.kokabi.t@gmail.com  
\*\*\* عضو هیئت علمی گروه پژوهشی مطالعات قرآنی «برهان»: kdowlati@chmail.ir

## مقدمه

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نازل شده است. این کتاب الهی، «کتاب زندگی انسان» است که مایه سعادت و رستگاری است، از این رو این کتاب را هم باید خواند و هم فهمید و هم عمل کرد. به همین جهت نحوه تعلیم آن، نه تنها مانند سایر کتاب‌ها و مجموعه‌ها در بهره‌گیری از محتوایش تأثیر دارد، بلکه به خاطر اصالت لفظ الهی آن، بالاتر از سایر متون است و لازم است که تعلیم آن به صورتی خاص صورت گیرد تا توأم با امر تعلیم و تعلم آن و فهم آیات، انس با کتاب الهی نیز، تحقق پیدا کند.

در سیستم آموزشی با تفکر، راه برای آموزش بیشتر باز می‌شود (شعبانی، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، ۱۳۸۰: ۶۷) و بر همین اساس، آموزش‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که مشوق مهارت‌یابی در تفکر باشد و این امر با استفاده از مبانی یادگیری امکان‌پذیر است (شورینی، مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ۱۳۷۸: ۹۱)؛ زیرا پایه و اساس یادگیری فهم است و درک ارتباط میان اجزاء و موضوع، و استعداد موقعیت یادگیری و فعالیت یادگیرنده در ایجاد فهم و بصیرت تأثیر به‌سزایی دارد (شریعتمداری، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱۳۷۴: ۳۴۵-۳۴۴) یادگیری از طریق محتوا تحقق می‌یابد و محتوا چیزی است که قرار است آموزش داده شود، محتوا را می‌توان شامل کلیه مطالب، مفاهیم و اطلاعات مربوط به یک درس دانست (میرزاییگی، برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی تربیت نیروی انسانی، ۱۳۸۰: ۱۶۰). حداقل دو نوع محتوا در یک درس یافت می‌شود؛ محتوای مکتوب که به صورت متون و کتاب تدوین می‌شود و محتوای شفاهی که آن چیزی است که به صورت مکتوب نباشد و به صورت شفاهی و با ارائه توضیحات بیان می‌شود (فتحی و اجارگاه، اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۱).

در قرآن کریم، آموزش از اهداف بعثت پیامبر بیان شده است ﴿إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (آل عمران/ ۱۶۴) و در سیره معصومان علیهم السلام ارزش فراوانی به آموزش معارف دینی و آیات الهی داده شده است (حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: ۱۳۸۰: ۱۷/۴-۱۶). ابو عبد الرحمن سلمی به یکی از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام سوره حمد را آموخت. زمانی که سوره را بر پدرش قرائت کرد، امام به معلم هزار دینار و هزار حله داد و دهان او را از دَرّ پر کرد.

به حضرت گفته شد: چرا این مقدار می‌دهید؟ امام (علیه السلام) فرمود: چگونه این هدیه یعنی آموزش او با آنچه او به فرزند من عطا کرده برابری کند (ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹: ۶۶/۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۴۴/۴۴: ۱۹۱).

### مفهوم‌شناسی

تعلیم در معنای اصطلاحی عبارت است از سخن گفتن و القای کلمات معنادار، تا متعلم معانی را بفهمد و عالم شود (امینی، ۱۳۷۴: ۱۵).

فهم یعنی بررسی آنچه که فرد می‌بیند یا می‌شنود (شریعت‌مداری، روانشناسی تربیتی، ۱۳۸۲: ۹۸). مفاهیم به عینی (ملموس) و تعریفی (مانند عدالت) تقسیم‌بندی می‌شود. برخی از مفاهیم از راه تعریف آموخته می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را به صورت عینی آموخت (گانبه، شرایط یادگیری و نظریه آموزشی، ۱۳۷۳: ۱۵۷؛ سیف، روان‌شناسی پرورشی نوین، ۱۳۸۷: ۳۵۷).

### ۱. تعلیم در آیات

آموزش و تعلیم کتاب الهی در چندین آیه از قرآن آمده است. با الفاظ «يَعْلَمُكُمُ الْكِتَابَ» (بقره/۱۵۱)، «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ» (بقره/۱۲۹؛ آل عمران/۴۸؛ جمعه/۲) بیان شده است. در تفسیر کلمه «الکتاب» بین مفسران آرای متفاوتی وجود دارد. برخی (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۵۳۰/۴؛ میبیدی، کشف الاسرار و عده الابرار، ۱۳۷۱: ۹۶/۱۰) آن را همان «قرآن» تفسیر کرده‌اند. برخی دیگر، تفسیر آن را فراتر از قرآن می‌دانند. طبرسی در آیه‌ای، آن را قرآن (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۴۲۹/۱۰) تفسیر کرده و ذیل آیه‌ای دیگر، آن را بیان مفاد و مدلول آیات از حیث اشتغال بر معارف و دلایل توحید و احکام الهی بیان کرده است (همان، ۳۹۵/۱). علامه طباطبایی مقصود از «تعلیم کتاب» را بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و متشابه آن می‌داند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۲۶۵/۱۹). فخر رازی در آیه‌ای کتاب را اشاره به شناخت تأویل (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۹) و در آیه‌ای دیگر، مراد از آن را امر به تلاوت و آموزش معانی کتاب و حقایق آن می‌داند (همان، ۵۹/۴). همو و آلوسی تعلیم کتاب را فهماندن الفاظ قرآن و کیفیت ادای آن‌ها بیان کرده‌اند (همان، ۲/۳۲۶؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳۸۵/۱). در تفسیر سوره‌آبادی آمده است: می‌آموزد ایشان را کتاب یعنی قرآن و تفسیر قرآن (سوره‌آبادی، تفسیر سوره‌آبادی، ۱۳۸۰: ۴/۲۶۰۰).

## ۲. تعلیم در روایات

پیامبر اکرم در وصیتی به معاذ بن جمل، زمانی که ایشان را به یمن فرستاد در زمینه تعلیم دادن به آن‌ها فرمود: «ای معاذ! کتاب خدا را به ایشان بیاموز، و آنان را با اخلاق نیکو تربیت کن» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۳۶۳: ۲۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۲۷/۷۴-۱۲۶). همچنین آن حضرت در ثواب تعلیم قرآن به فرزند، پاداشی بزرگ برمی‌شمارد و می‌فرماید: کسی که فرزند خود را قرآن تعلیم دهد، گویا ده هزار حج و ده هزار عمره به‌جا آورده؛ ده هزار بنده از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده؛ ده هزار مرتبه در جنگ (در راه خدا) شرکت کرده؛ ده هزار مسلمان مسکین گرسنه را سیر کرده؛ ده هزار مسلمان برهنه را پوشانده؛ به تعداد هر حرفی از حروف قرآن، ده حسنه برای او نوشته شده؛ ده گناه از او محو و بخشیده می‌شود؛ قرآن با او در قبر خواهد بود تا هنگامی که برای حساب مبعوث شود و در محاسبه باعث سنگینی ترازوی اعمالش خواهد شد و به وسیله قرآن از صراط، همانند برق خاطف می‌گذرد و بالاخره قرآن از او جدا نمی‌شود تا بر او به میزانی کرامت فرو فرستد که بیش از آن باشد که آرزوی او را می‌کشید (شعیری، جامع الاخبار، بی‌تا: ۴۹). حضرت علی علیه السلام تعلیم قرآن را از جمله حقوقی می‌داند که بر عهده پدر است (سید رضی، ۱۳۷۹: حکمت ۳۹۹، ۴۳۳).

## ۳. فهم قرآن در آیات

پس از فراگیری قرآن، از مهم‌ترین وظایف مسلمانان، درک و فهم قرآن است (حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاة، ۱۳۸۰: ۲/۲۳۴). بر مومن شایسته است که قرآن را با تدبّر و فهم بخواند و قلبش را به تفکر در معنای آنچه تلفظ می‌کند مشغول دارد و معنای تمام آیه را بشناسد (حمدی زقروق، الموسوعة القرآنیة المتخصصه، ۱۴۲۳: ۴۲۴). خدای متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء/ ۸۲) آیا در (معانی) قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند. تفهّم در قرآن یعنی، در هر آیه‌ای از آن، توضیحی از قرآن را بخواهد (حسینی، هفده گفتار در علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۳۴۲) و تأمل در قرآن، نگریستن با دقت قلب در معانی است (ابن القيم الجوزیة، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ۱۴۰۷: ۴۴۲).

در تفاوت معنای تدبّر و تفکّر آمده است، «تدبّر» اندیشیدن و تفکر در ورای ظواهر است تا با جلوه‌گر شدن چهره باطن، عاقبت امر مشخص شود. بنابراین این دو خصوصیت اصلی تدبّر

عبارت است از: کاوش در باطن، توجه به نتایج و عواقب امر. «تفکر» اعم از بررسی ظواهر و باطن امور و بررسی علل و اسباب امور و نتایج و عاقبت آن است (نقی پورفر، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، ۱۳۸۱: ۳۷۲).

#### ۴. فهم قرآن در روایات

شایسته است بر کسی که قرآن را می آموزد در آن فهیم هم باشد (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۲۰: ۶۶/۲). همچنان که خدا مردم را به تفکر در قرآن دعوت کرده، تا بتوانند به فهم قرآن برسند، پیامبر نیز، فقط مقداری از آیات را تفسیر کرده و بسیاری از آیات را به خود مردم واگذار نموده است (علوی مهر، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ۱۳۸۴: ۳۸)؛ تا با تفکر در آیات بتوانند قرآن را بفهمند. همچنین حضرت رسول اکرم اسلام در حدیث شریف ثقلین همه مردم را به تمسک به قرآن فراخوانده است (جوهری، پرسمان علوم قرآنی، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۷). معصومان علیهم السلام نیز مردم را به فهم قرآن در حد تفسیر و فهم ظواهر الفاظ آن تشویق می کردند، زیرا زبان قرآن ساده و مردم فهم است.

اهل بیت علیهم السلام مبانی و اصولی را ارائه می کردند تا مفسران بر اساس آن بتوانند مفاهیم را کشف کنند و بدین ترتیب مردم را به مفاهیم هدایت کرده و عالمانی را برای درک فهم قرآن تربیت می کردند (علوی مهر، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ۱۳۸۴: ۱۵۵)؛ زیرا قرآن برای هدایت کردن به کمال، فرود آمده است. پس اگر قابل فهم نباشد یا انسان توانایی فهم آن را نداشته باشد، نقض غرض می شود و حکمت نزول آن لغو می گردد. در پرتو فهم قرآن و تأثر از تلاوت آن بود که برخی از مشرکان به اسلام روی آوردند (سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن، ۱۳۸۳: ۴۰۱-۴۰۲). همچنین در فهم قرآن، صحابه یکسان نبودند زیرا بین آن ها در فهم آیات و سطح آگاهی شان و حدود بهره وری آن ها از محضر پیامبر و همچنین تلاشی که در زمینه فهم قرآن داشتند (مهدوی راد، آفاق تفسیر، ۱۳۸۲: ۶۲) و حظ معرفتی و شناختی و صفا و پاکی نفسانی، تفاوت وجود داشت (سعیدی روشن، علوم قرآن، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

از آنجا که قرآن تمامی انسان ها را قابل تربیت می داند، تعلیم خود را در جهان توسعه داده و چون افهام در درک معنویات مختلف است؛ لذا تعلیم خود را مناسب ساده ترین فهم ها قرار داده است. در نتیجه معنویات در پشت ظواهر قرار گرفته است و هر کس به اندازه درک خود از آن بهره می برد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۴۰). چنان که پیامبر فرمود: ما پیامبران،

دستور یافته‌ایم که با مردم به اندازه عقل و درکشان سخن بگوییم (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱/ ۸۵). باید توجه داشت که فهم قرآن در هر زمان، از نظر کیفی و کمی در تکامل است. هر چه فطرت انسان‌ها شکوفاتر، عقل و علم آن‌ها از انسان و جهان، افزون‌تر می‌شود. بنابر این تعداد یافته‌های او از قرآن زیادتر و فهم‌های گذشته او نیز عمیق‌تر می‌گردد (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۱۳۸۸: ۴۵۳). باید در نظر داشت که با توجه به مراتب فهم افراد، نباید به فهم‌های صحیح خود از قرآن اکتفا کرد و البته نباید فهم افراد دیگر را تخطئه نمود (نقی‌پورفر، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، ۱۳۸۱: ۳۰۵).

آیات قرآن دارای مراتب، تأویل، باطن، استعارات و تمثیل است و لذا قابل فهم برای همه مردم نیست؛ به همین جهت نیاز به تفسیر دارد (علوی‌مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ۱۳۸۱: ۱۹۶). مثلاً در روایتی از عدی بن حاتم آمده است: هنگامی که آیه «حَتَّىٰ يَتَّبِعَن لَّكَمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ» (بقره/ ۱۸۷) نازل شد، ریسمان سیاه و ریسمان سفیدی تهیه کردم و آن را زیر بالش خود گذاشتم و مدتی به آن نگریستم ولی برایم آشکار نشد. صبح روز بعد نزد رسول اکرم ﷺ رفته، ماجرا را تعریف کردم. در جواب فرمود: مقصود آیه، سیاهی شب و سفیدی روز است (بخاری، الصحيح، ۱۴۲۲: ۴/ ۵۹۹؛ اوسی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ۱۳۸۱: ۱۳۵). این روایت، نشان می‌دهد پیامبر آن را برای عدی بن حاتم تفسیر کردند.

اولین عامل در فهم قرآن، آشنایی با زبان عربی و سبک بیان قرآن و اصول و قواعد فهم معنا از الفاظ و عبارات است (شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۸۲: ۲۰۹). بلاشر می‌گوید مسئله فهم قرآن برای هر مسلمان، در خور اهمیت است. مرحله فهم معانی، زمانی است که فرد بتواند درس خود را درست و روان تکرار کند؛ مواضع وقف را بشناسد و مطابق سنت جاری از نوشتن قرآن آگاه باشد (بلاشر، درآمدی بر قرآن، ۱۳۷۲: ۲۰۰-۱۹۹).

راغب در مقدمه کتاب خود آورده است: نخستین چیزی که از علوم مختلف برای درک و فهم قرآن نیاز داریم و باید به آن پرداخته شود علوم الفاظ است. تحصیل و به دست آوردن معانی مفردات الفاظ، در حقیقت نخستین یاری کننده کسی است که می‌خواهد معانی قرآن را بفهمد و آن را درک کند و مانند به دست آوردن وسائل بنایی یا آجر است که برای معمار و سازنده ساختمان، نیازهای اولیه اوست و در این مرحله به آن‌ها نیاز دارد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲: ۵۴). فهم ظواهر قرآن همگانی است، اما فهم مجموعه قرآن اعم

از تنزیل و تأویل، و ظاهر و باطن، ویژه معصومان علیهم السلام است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۸: ۱/۱۰۳). به تعبیر دیگر، فهم ظاهر آیات برای همه میسر است هرچند نیاز به مراجعه به تفسیر داشته باشد و باطن درجات متفاوتی متناسب با درجات علم و عقل و علم لدنی دارد که اهلش آن را می‌داند (کمالی دزفولی، قانون تفسیر، ۱۳۵۴: ۳۴۵)؛ زیرا باطن قرآن ژرف و عمیق است، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «الْقُرْآنُ ظَاهِرُهُ أَيْسَرُ وَبَاطِنُهُ أَعْيَقُ» (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۶۵/۱۸)؛ ظاهر قرآن، شگفت و باطنش شگرف است.

حقیقت قرآن بیرون از مقوله لفظ است و نظر به باطن دارد که مختص انبیای الهی و معصومان علیهم السلام است (نقی پورفر، پژوهشی، ۱۳۸۱: ۵۷۳). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَسَمَ كَلَامَهُ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ وَقِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَا ذَهْنَهُ وَلَطَّفَ حِسَّهُ وَصَحَّ تَمَيُّزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَقِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا اللَّهُ وَأَمْنَاؤُهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۳: ۱/۲۵۳)؛ خدا کلامش را سه بخش کرده است: قسمتی از آن را طوری قرار داده است که عالم و جاهل آن را می‌شناسد، قسمتی را کسی نمی‌فهمد مگر آن که ذهنش صفا و حسی لطیف و تشخیصی صحیح دارد از کسانی که خدا سینه‌شان را برای اسلام گشوده است، قسمتی دیگر را فقط خدا و امانت‌داران او و راسخان در علم می‌دانند.

با توجه به آنچه بیان شد صرف توجه به لفظ، منجر به فهمیدن نمی‌شود، بلکه برای آن که آموزش قرآن منجر به فهمش شود، باید به بیان تفسیر، تاویل، آموزش معانی و دلالت آیات توجه نمود؛ زیرا فضیلت تلاوت قرآن در خوب خواندن، تدبر و اندیشیدن است (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۱/۵۲) و فهم همه جانبه قرآن کریم در گروهی تعلّم و تدبّر است (شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ۱۳۸۲: ۲۲۱-۲۲۲).

## ۵. انس با قرآن

آموزش باید توأم با فهم قرآن باشد. ارائه روش‌های آموزشی و بیان مبانی حاکم بر این روش‌ها، مشخص می‌کند که انس با قرآن نیز در میان این موارد نهفته است. انس با قرآن باید همیشگی باشد و پذیرفته نیست کسی قرآن را کتاب خود بداند و ادعای پیروی از آن را داشته باشد، اما با آن انسی نداشته باشد (فاکر میبیدی، مراحل انس با قرآن، ۱۳۸۵: ۱۳). برای انس با قرآن در خود قرآن، عناوین «قرانت»، «تلاوت»، «ترتیل»، «استماع و انصات» و «تدبر» آمده است (همان، ۳۷۸). گاهی در انس با قرآن و تدبر در آن، به آیات الهی گوش جان می‌سپاریم و گاهی خودمان به قرانت اقدام می‌نماییم.

طبق آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾ (مزل/۴) پیامبر ﷺ باید قرآن را ترتیل نماید. طبعاً آن حضرت، کمال شیوه انس و تدبر در قرآن را به کار می‌گرفت که در دستور تلاوت به ترتیل آمده و در روایتی از ایشان چنین آمده است: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَتَبَتْ لَهُ حَسَنَةً مِضَاعِفَةً وَمَنْ تَلَا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن کثیر، فضائل القرآن، ۱۴۱۶: ۲۹۸)؛ کسی که آیه‌ای از کتاب خدا را بشنود برای او پاداشی مضاعف نوشته می‌شود و کسی که آیه‌ای از کتاب الهی را تلاوت کند در روز قیامت برای او نوری می‌شود. (فاکر میبدی، مراحل انس با قرآن، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۴). بنابراین، باید گفت انس با قرآن و تدبر در آن، با قرائت آن به شیوه ترتیل حاصل می‌شود. اگر آموزش با رعایت اصول آن و به شیوه صحیح صورت گیرد انس با قرآن را نیز به دنبال دارد و موجب می‌شود که انسان با قرآن، الفت و انس پیدا کند. البته منظور از «ترتیل» شیوه متداول و معروف به این نام نیست؛ بلکه ترتیل عبارت است از «شیوه منظمی که متن و فهم قرآن به طور همگام و با کیفیت مناسب قرائت می‌شود».

تعبیراتی همچون «اهل القرآن»، «صاحب القرآن» و «حَمَلَةُ الْقُرْآن» که در روایات آمده، در حقیقت تعبیر دیگری از مأنوسان با قرآن است (همان، ۲۰). حضرت علی (علیه السلام) در روایتی، به زیبایی از عظمت قرآن و ضرورت انس و تدبر در آن چنین یاد می‌کنند (نقی‌پورفر، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، ۱۳۸۱: ۲۵) و می‌فرماید: آگاه باشید! همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فریبد، و هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد، و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید. کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که بر او افزود یا از او کاست؛ در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی‌اش کاست (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۱۷۶/۳۳۳). در بیانی دیگر می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتَ الْمُونِسَ فَالْقُرْآنُ يَكْفِيكَ» (شعیری، جامع الاخبار، بی‌تا: ۱۸۱)؛ اگر مونس می‌خواهی، قرآن تو را کافی است. در روایتی دیگر نیز آمده است: کسی که به تلاوت قرآن انس داشته باشد، از جدایی برادرانش احساس تنهایی نخواهد داشت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۳۸).

تکرار آیات نیز موجب انس گرفتن با آیات الهی می‌شود، زیرا شخص، پیوسته آیات را در ذهن دارد و در نتیجه با آن مانوس می‌شود. زمانی که امام سجاد (علیه السلام) آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (فاتحه/۴) را قرائت می‌کرد آن را تا حدی تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان به جان‌آفرین تسلیم کند (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۰۲). همچنین آن حضرت، در دعای ختم قرآن از خدا



می‌خواهد قرآن را مونس تاریکی‌ها قرار دهد (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۱۷۸). امام صادق علیه السلام نیز انس و الفت را در قرائت قرآن یافته و می‌فرماید: «انس را طلب می‌کردم و آن را در قرائت قرآن یافتم» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۱۲/۱۷۴).

انس با قرآن مراتبی دارد که با توجه به مجموع روایات مربوط به قرآن، از نگهداری قرآن در خانه شروع می‌شود و پس از طی مراحل نگاه کردن به آیات قرآن، گوش فرادادن به تلاوت قرآن، تلاوت قرآن، تدبّر و تفکر در قرآن، با بالاترین مرحله یعنی عمل به قرآن پایان می‌یابد (هادوی کاشانی، مراتب انس با قرآن در روایات، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن).

همچنین از شرایط انس با قرآن، می‌توان از طهارت، خشوع و شناخت عظمت قرآن نام برد و مواردی همچون کبر و خودبزرگ بینی و روی آوردن به دنیا را از موانع انس با قرآن برشمرد. از موارد دیگر انس با قرآن، نزول تدریجی قرآن است که در زمان پیامبر موجب شد تا مردم بتوانند قرآن را به تدریج یاد گرفته و مفاهیم و معانی آن را کاملاً جذب نمایند (نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۸۱: ۲۶۴).

بنابراین، آشنایی با روش‌های آموزشی قرآن و مبانی حاکم بر آن، موجب انس هر چه بیشتر با قرآن می‌شود و حتی می‌توان انس با قرآن را در میان این روش‌ها و مبانی، نهفته دانست.

## ۶. ارتباط آموزش و فهم قرآن

فهم ظاهر و باطن قرآن با رجوع به اهل آن برای همه میسر است و این چنین نیست که قرآن بالاتر از فهم بشر باشد؛ زیرا خدا به تدبّر دعوت کرده است. شأن پیامبر تعلیم است و آن، زمانی است که فهم مطلب مشکل باشد نه ممتنع؛ زیرا اگر فهم مطلبی بدون معلم ممتنع باشد با تعلیم هم غیرممکن است. وقتی خدا قرآن را به زبان قومی نازل کرده هدفش فهماندن به آن‌ها بوده است و تعبیر برهان و تبیان و نور و منذر و راهنما و... برای قرآن و همچنین روایاتی که در این زمینه آمده در صورتی است که فهم قرآن برای انسان ممکن باشد (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۱/۸۹-۸۹؛ مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۰: ۲/۵۵ و ۶۷-۶۵). مواردی مانند عقلایی بودن زبان قرآن یعنی این که سخن گفتن قرآن طبق اصول محاوره عقلایی با مردم است و از آنجا که محاورات دیگران قابل فهم است، آیات قرآن نیز قابل فهم می‌شود؛ تحدی قرآن؛ و فراخوان تدبّر در آیات (مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۰: ۲/۶۴-۶۳) امکان فهم قرآن را می‌رساند.

از مسائل مهمی که در فهم قرآن مؤثر است، شناخت هدف از نزول قرآن است، زیرا هدف از نزول، سایه خود را بر معنای قرآن می‌افکند (حکیم، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۴۳). در فهم قرآن، مراعات سیاق آیه و جمله‌ای که در آیه وجود دارد (قرضاوی، قرآن منشور زندگی، ۱۳۸۲: ۳۸۹؛ فولادوند، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۰: ۳۰۹) و نیز فهم مثل‌ها از موارد مهم است (کمالی دزفولی، قرآن ثقل اکبر، ۱۳۷۲: ۳۲۹). قرآن نسبت به بطونی که دارد جنبه مَثَل به خود می‌گیرد تا معارف به افهام نزدیک شود (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۴۱-۴۲). شرط بهره‌جستن از مَثَل‌ها تعقل در آن‌هاست (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۱۳۸۸: ۴۴۷) و تعقل در امثال قرآن، بنا بر آیه ۴۳ سوره عنکبوت تنها در توان عالمان است.

### ۷. تأثیر آموزش بر انس با قرآن

قرآن کتاب هدایت الهی برای بشر است که برای بهره بردن از آن و انس با آن، آموزش آن اهمیت ویژه‌ای دارد. نحوه تعلیم قرآن، نه تنها مانند سایر کتاب‌ها و مجموعه‌ها در بهره‌گیری از محتوایش تأثیر دارد، بلکه به خاطر اصالت لفظ الهی آن، بالاتر از سایر متون بوده و لازم است که تعلیم آن به صورتی خاص صورت گیرد تا توأم با امر تعلیم و تعلّم آن، فهم آیات و انس با آن نیز تحقق پیدا کند.

آموزش قرآن، در سیره پیامبر از طریق اِقرأ و اِسماع دنبال می‌شد (معارف، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). اِقرأ به معنای آموزش عبارات و مفاهیم به صورت توأمان بود و رسول خدا در مسیر اِقرأ حقایقی از مفاهیم را بیان می‌فرمود (همان، ۲۲۵-۲۲۴). در دوران پیامبر فهم قرآن مقدمه‌ای برای عمل به‌شمار می‌رفت (فولادوند، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۰: ۲۶). ایشان به تدبیر در آیاتی که تعلیم داده می‌شد اهتمام داشتند. ابن مسعود نقل می‌کند: رسول خدا ده آیه را برای اصحاب قرائت می‌کردند و آنان به ده آیه دیگر نمی‌پرداختند تا عملی را که در آن آمده دریابند و امر و نهی و حلال و حرام آن را دریافت نمایند (قرطبی، تفسیر قرطبی، ۱۴۲۳: ۳۹/۱).

البته پیامبر ﷺ در آموزش، افزون بر شیوه عمومی، با بیان معانی و تفاسیر آن به عده‌ای از اصحاب و بیش از همه به حضرت علی (علیه السلام)، آموزش‌های ویژه‌ای نیز داشته است (علوی‌مهر، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ۱۳۸۴: ۳۴). آن حضرت می‌فرماید: آیه‌ای بر رسول خدا ﷺ نازل نمی‌شد، مگر آن را بر من خواند و آن را املا می‌فرمود. من هم آن را با خط خودم

می‌نوشتیم و آن حضرت تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام آیات را به من می‌آموخت. آن حضرت برای من دعا کرد که خدا فهم و حفظ آیات را به من عطا کند. از زمانی که آن حضرت برای من دعا کرد، هیچ آیه و دانشی از آن را فراموش نکردم (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۱/۶۴).

به این ترتیب آموزش قرآن باید به روش‌های خاص خود صورت گیرد تا موجب انس با آیات الهی گردد. شیوه صحیح آموزش روش‌های قرائت موجب می‌شود تا همراه با تفهم آیات الهی، انس با قرآن نیز بیشتر گردد؛ زیرا برای فهم بیشتر آیات الهی باید با قرآن مأنوس بود و پیوسته آیات الهی را تکرار کرد و بر قرائت آن مداومت نمود.

## ۸. تأثیر فهم قرآن بر انس با آن

یکی از اهداف آموزش و مؤثر بر فهم آن، تدبیر است. تدبیر عبارت است از تفهّم روشمند مجموعه‌ی منسجم ظاهر عبارات قرآن و تکمیل‌کننده مهارت‌هایی چون قرائت و تلاوت که پس از آن‌ها قرار می‌گیرد. مقدمه عمل به قرآن است و موجب انس بیشتر با ظاهر الفاظ و عبارات می‌شود و در نتیجه موجب فهم بیشتر آیات و سوره می‌گردد (الهی‌زاده، تدبیر از نگاه قرآن و عترت، آشنایی با تدبیر در قرآن، موسسه تدبیر در قرآن و سیره، آدرس اینترنتی: [www.mftqs.com](http://www.mftqs.com)).

فهم آیات قرآن موجب می‌شود تا متعلم قرآن بتواند بین آیات الهی ارتباط برقرار کند و آیات را در موضوعات مختلف به کار ببرد تا راهنما باشد (قرضاوی، قرآن منشور زندگی، ۱۳۸۲: ۵۹۵). این، جز از راه انس با قرآن میسر نمی‌شود. باید در نظر داشت که معارف قرآن، مراتب فراوانی دارد و هر مرتبه از آن را، گروهی خاص بهره‌مند می‌شوند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: کتاب خدا بر چهار مرتبه است: عبارت، اشاره، لطایف و حقایق؛ عبارت برای عموم مردم، اشاره برای خواص، لطایف برای اولیا، و حقایق برای انبیاست (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۰/۹۲). هر کس به اندازه استعداد خود از قرآن بهره می‌برد تا به «مقام مکنون» آن برسد؛ مقامی که تنها پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) به آن راه دارند. همگان توفیق بهره‌مندی از قرآن را ندارند؛ زیرا گناه و الحاد و تقلید باطل از گذشتگان، قفل قلب آدمی است و انسان را از تدبیر باز می‌دارد. صرف دانستن عربی هم برای فهم کافی نیست و باید آشنا با قواعد ادبیات عرب و سایر علوم پایه مؤثر در فهم قرآن بود (جوادی آملی، دین‌شناسی، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۳).

روایت شده است: پیامبر فرمود: هیچ مرد و زن مؤمن، آزاده یا برده‌ای نیست مگر حق واجبی برای خدا بر عهده اوست که قرآن را فراگیرد و آن را بفهمد. سپس آیه ۷۹ سوره آل عمران را به عنوان شاهد مثال قرائت کردند (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۴/۲۳۳-۲۳۲).

حضرت علی (علیه السلام) جایگاه فهم را بعد از شنیدن بیان کرده و می‌فرماید: ای انسان، بشنو؛ سپس بفهم؛ بعد یقین کن و آنگاه به کار ببر (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۲/۴۵۶؛ دارمی، سنن الدارمی، ۱۴۳۴: ۱/۱۵۸؛ ابن بابویه، معانی الاخبار، ۱۴۰۳: ۲۲۶). در روایتی دیگر، آن حضرت می‌فرماید: آگاه باشید! آگاه علمی که فهم در آن نباشد، قرائتی که در آن تدبر نباشد و عبادتی که در آن تفقه و فهم عمیق نباشد خیری ندارد (دارمی، سنن الدارمی، ۱۴۳۴: ۱/۱۵۸؛ ابن بابویه، معانی الاخبار، ۱۴۰۳: ۲۲۶).

تقوا و طهارت، شرط فهم قرآن است (جوادی آملی، قرآن در قرآن، ۱۳۸۸: ۳۶۹) و جهل و استکبار، دو مانع فهم قرآن است؛ زیرا کسانی که جاهل اند اهل تفکر نیستند و مستکبران خضوع ندارند و خدا قلبشان را از درک معارف منصرف می‌سازد (همان، ۳۶۵). در آیه ۱۲۷ سوره توبه خدا از کسانی یاد می‌کند که بر اثر مهوری که در دل‌هایشان نهاده شده از درک حقیقت عاجز مانده‌اند. در آیه ۸۷ از همان سوره، بیان می‌شود که بر دل‌هایشان مهر زده شده است، در نتیجه قدرت درک ندارند. همچنین قلب بسته را در آیه ۲۴ سوره محمد از موانع تدبر در قرآن برمی‌شمرد. بنا بر این قاری برای فهم معانی قرآن باید موانع و حجاب‌ها را از خود دور کند، صفات رذیله را از خود دور کند و از گناهان پرهیز نماید (طاهری، درس‌هایی از علوم قرآنی، ۱۳۷۷: ۱/۶۳).

به این ترتیب، تدبر در مراحل مختلف قرائت و فهم تجلی می‌یابد که در اصل قرائت، یعنی پی در پی آوردن الفاظ و مداومت بر امر قرائت. تدبر در فهم یعنی توجه به مفاهیم موجود در لایه‌های مختلف آیات. تدبر در اصل قرائت و در فهم آیات باید به صورت توأمان باشد. آنچه خارج از قرائت صورت می‌گیرد، تدبر نیست بلکه تفکر یا تعقل است.

## ۱۲۰ نتیجه

۱. آموزش قرآن باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به فهم مطالب و انس با قرآن گردد تا مثمر ثمر باشد؛

۲. فهم ظاهر قرآن همگانی است؛ اما فهم باطن و تأویل قرآن مختص اهل آن است که با مراجعه به اهلش، فهم قرآن برای همگان میسر می‌شود؛

۳. روش‌های آموزشی بیان شده، الگویی است که باید آن را به کار بست تا با استفاده از این روش‌ها، به فهم کتاب الهی دست پیدا کرد و بتوان با آن انس گرفت؛
۴. در روش‌های آموزش قرآن، مراحل‌ی مانند اقرء، استماع و کتابت طی می‌شود که در آن، آموزش الفاظ همراه با مفاهیم صورت می‌گیرد و موجب انس با آیات الهی می‌گردد؛ زیرا به نوعی انس با قرآن در میان روش‌های آموزشی نهفته است؛
۵. آموزش قرآن اگر به شیوه صحیح صورت گیرد موجب می‌شود که فرد، مکرر به قرآن مراجعه کند و در نتیجه با مراجعات زیاد به قرآن، فهم آیات الهی میسر شده و در نتیجه انس با آیات نیز محقق می‌گردد.

## کتابنامه

۱. ابن القيم الجوزية، محمد بن أبى بكر، زاد المعاد فى هدى خير العباد، محققان شعيب الأرنؤوط، و عبدالقادر، بيروت و الكويت: مؤسسة الرسالة و مكتبة المنار الإسلامية، چاپ چهاردهم، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن بابويه، محمد بن على، معانى الأخبار، محقق: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، محقق: على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسين، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب عليه السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۵. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، محقق: سامى بن محمد سلامه، بى جا، دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۴۲۰ق.
۶. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، فضائل القرآن، قاهره: مكتبه ابن تيميه، ۱۴۱۶ق.
۷. امينى، ابراهيم، اسلام و تعليم و تربيت، چاپ سوم، تهران: انتشارات انجمن اوليا و مربيان، ۱۳۷۴ش.
۸. اوسى، على، روش علامه طباطبايى در تفسير الميزان، مترجم: سيد حسين مير جليلى، تهران: چاپ و نشر بين الملل، ۱۳۸۱ش.
۹. آلوسى، محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، محقق: على عبدالبارى عطية، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۱۰. بخارى، محمد بن اسماعيل، الصحيح، تحقيق، محمد زهير بن ناصر الناصر، بى جا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۱۱. بلاشر، تسنيم، محقق: على اسلامى، چاپ هشتم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۸ش.
۱۲. بلاشر، دين شناسى، محقق: محمد رضا مصطفى پور، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۷ش.
۱۳. بلاشر، درآمدی بر قرآن، مترجم: اسدالله مبشرى، تهران: نشر ارغنون، ۱۳۷۲ش.
۱۴. جوادى آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، محقق: محمد محرابی، چاپ هشتم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.

۱۵. جواهری، محمد حسن، پرسمان علوم قرآنی، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۱۶. حسینی، حسین، هفده گفتار در علوم قرآنی، چاپ دوم، تهران: بدر، ۱۳۷۸ش.
۱۷. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت «جلد چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ش.
۱۸. حکیم، محمد باقر، علوم قرآنی، مترجم: لسانی فشارکی، محمد علی، تهران: تبیان، ۱۳۷۸ش.
۱۹. حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاة، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲۰. حمدی زقروق، محمود، الموسوعة القرآنية المتخصصة، القاهرة: وزارة الاوقاف مصر، ۱۴۲۳ق.
۲۱. دارمی، عبد الله بن عبد الرحمن، سنن الدارمی، محقق: نبیل هاشم الغمری، بیروت: دارالبشائر، ۱۴۳۴ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، دمشق و بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۲۵. سعیدی روشن، محمد باقر، علوم قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۲۶. سور آبادی، عتیق بن محمد، تفسیر سور آبادی، محقق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ش.
۲۷. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی نوین، تهران: دوران، ۱۳۸۷ش.
۲۸. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.

۲۹. شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ش.
۳۰. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۴ش.
۳۱. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰ش.
۳۲. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة، بی تا.
۳۳. شورینی، خلیل، مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، تهران: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۸ش.
۳۴. الصحیفة السجادیة، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
۳۵. طاهری، حبیب الله، درس‌هایی از علوم قرآنی، قم: اسوه، ۱۳۷۷ش.
۳۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۷. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۳۹. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۴۰. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۴۱. فاکر میبیدی، محمد، مراحل انس با قرآن، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ش.
۴۲. فتحی واجارگاه، کوروش، اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی، تهران: بال، ۱۳۸۸ش.
۴۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۴۴. فولادوند، محمد مهدی، قرآن شناسی، تهران: الست فردا، ۱۳۸۰ش.



۴۵. قرضاوی، یوسف، قرآن منشور زندگی، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، تهران: احسان، ۱۳۸۲ش.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر، محقق: هشام سمیر البخاری، ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ق.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محققان علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۸. کمالی دزفولی، علی، قانون تفسیر، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۵۴ش.
۴۹. کمالی دزفولی، علی، قرآن ثقل اکبر، قم: اسوه، ۱۳۷۲ش.
۵۰. گانیه، رابرت میلز، شرایط یادگیری و نظریه آموزشی، مترجم: جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۳ش.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محقق: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۲. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، چاپ دوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ش.
۵۳. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، تهران: نبا، ۱۳۸۳ش.
۵۴. مهدوی راد، محمد علی، آفاق تفسیر، مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهشی، تهران: هستی نما، ۱۳۸۲ش.
۵۵. میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، محقق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۵۶. میرزا بیگی، علی، برنامه ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی، تهران: یسطرون، ۱۳۸۰ش.
۵۷. نجاتی، محمد عثمان، عرب، عباس، قرآن و روانشناسی، مشهد: آستان قدس، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ش.
۵۸. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران: اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۵۹. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.

۶۰. نهج البلاغه، سید رضی، مترجم محمد دشتی، قم: مشهور.
۶۱. هادوی کاشانی، اصغر، مراتب انس با قرآن در روایات، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن - دانشنامه موضوعی قرآن، بازیابی از آدرس اینترنتی [www. maarefquran.org](http://www.maarefquran.org).
۶۲. الهی زاده، محمد حسین، تدبر از نگاه قرآن و عترت، آشنایی با تدبر در قرآن، موسسه تدبر در قرآن و سیره، بازیابی از آدرس اینترنتی [www.mftqs.com](http://www.mftqs.com)